



گزارشی از مسجد کوچک اما پر قصه  
ابتدای خیابان آیت... عبادی

۳

## مسجد والدین

# خانه‌ای ویژه که وقف شد



سمیرا شاهین | مسجدی قدیمی و بی‌هیاهو در ابتدای خیابان آیت... عبادی در محله راه آهن و روبه روی پایانه اتوبوسرانی شهدا جا خوش کرده است. که اگر تا بلوک کوچک و سردر ساده‌اش یادست نوشته روی دیوارش نبود، شاید کمتر کسی متوجه حضورش می‌شد. این بنا با قدمتی حدود یک قرن در دل یک محله قدیمی جا گرفته و حالا پناهگاهی برای معدود نمازگزارانش شده است. از چارچوب یک در سبز وارد می‌شویم: دری که هر صدا و حرکت لولای کهنه‌اش، نوای سال‌های دور را در گوشمان زمزمه می‌کند. راهرویی باریک پیش روی ماست که از میانه به دو بخش تقسیم می‌شود: روبه رو، در ورودی برادران و سمت راست، پرده و دری که خواهران را به مسجد دعوت می‌کند.

درهای چوبی قدیمی، کلید و پریشا، طاقچه‌ها و رنگ‌های کهنه و ترک‌های ریز و درشت دیوارها همه نشانی از گذشته‌ای دور دارند. حتی طبقه دومی که بر فراز این خانه نشسته، دست نخورده باقی مانده است. گویی زمان در اینجا حرکت باز ایستاده. اینجا یک خانه قدیمی است که اگر خوب گوش تیز کنی، هنوز صدای خانواده‌ای را که پیش از دهه ۸۰ اینجا می‌زیسته‌اند، می‌شنوی. این خانه، روزگاری ملک شخصی مرحوم محمد خزاعی نژاد بود: مردی که دهم آذر ۱۳۹۴ از دنیا رفت. اما پیش از وفات، در سی و یکم مرداد سال ۱۳۸۰ تصمیمی گرفت که نامش را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. او وقف نامه‌ای تنظیم و خانه‌اش را به یاد پدر و مادرش وقف مسجد کرد: خانه‌ای که تا پیش از این، مأمین چهره‌های انقلابی و بزرگان مشهود بود. گفته می‌شود روزگاری رهبر انقلاب نیز به این خانه آمده‌اند: مکانی که پیش از وقف هم مراسم و مناسک آزمایشی حج، نشست‌های فرهنگی و حتی پخت و پز نذری در آن رونق داشت، اما اکنون، نامش مسجد والدین است: مسجدی که به روزگار یتیمی شبیه است. با این حال، روح وقف و عشقی که در آن دمیده شده، هنوز زنده نگهش داشته است.



### ساده اما دلنشین

مسجد والدین، هنوز هم روح خانه بودنش را حفظ کرده است. حیاط کوچکی که در آن تنهاتنه خشکیده یک درخت انجیر باقی مانده، شاهد خاموشی تاریخ این بناست. این درخت که روزگاری سایه سار حیاط بود، سال‌هاست به خاطر تاکید واقف، مرحوم محمد خزاعی نژاد، سر جای خود ایستاده و با وجود خشکیدگی، همچنان جزئی از هویت مسجد است. قسمت برادران، همان حیاط قدیمی خانه است که سقفی بلند بر فراز آن ساخته شده است. در سوی دیگر، بخش خواهران، همان اتاق نشیمن یا بخش اعیانی خانه قدیمی است که اکنون به فضایی کوچک برای نماز خانم‌ها تبدیل شده است. فضای مسجد بسیار ساده است و حس بی‌پیرایگی آن به دل می‌نشیند؛ چند فرش ماشینی لاک‌رنگ، یک بخاری قدیمی که گوشه‌ای ایستاده، محرابی ساده با گچ و آجرنمایی ابتدایی در قسمت بانوان به دیوار چسبیده است و یک طاقچه کوچک که چند کتاب قدیمی، عکسی از بقیع و چند قلم ساده دیگر روی آن قرار دارد، به ظاهر همه دارایی‌های این مسجد است. پارچه سبز طرح داری بخش برادران و بانوان را از هم جدا کرده است. اهالی محله می‌گویند که مرحوم محمد خزاعی نژاد، از خادمان آستان قدس رضوی بوده است و او را به اخلاق نیک و خوش ذوقی‌اش می‌شناختند: مردی که نیت داشت به یاد والدینش کاری ماندگار انجام دهد. بعضی هم بر این باورند که این مسجد در میان مساجد ایران نامی خاص دارد: حجت الاسلام میرمحمد معصومی که امام جماعت شب مسجد است، می‌گوید: در فضای مجازی جست و جو کردم و مسجدهایی با نام‌هایی چون «بی‌بی»، «آقای بزرگ» و «برادران» دیدم که تکرار هم شده‌اند، اما مسجدی به این نام نیافتیم. شاید اسم این مسجد، یکی از نادرترین نمونه‌ها باشد.